



خصوصی سازی دین

پدیدآورنده (ها) : جریمی کارت؛ ریچارد کینگ؛ طاهری، جواد

علوم سیاسی :: Journal سیاحت غرب :: مرداد ۱۳۹۱ - شماره ۱۰۸

Pages : From ۱۰۲ to ۱۱۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/897040>

تاریخ دائلود : ۲۰۲۳/۰۸/۱۶

Computer Research Center of Islamic Sciences (Noor) to present the journals offered in the database, Has received the necessary permission from the owners of the magazines, accordingly all material rights arising from the entry of information on articles, magazines and writings. Available at the base, belongs to the "Light Center". Therefore, any publication and presentation of articles in the form of text and images on paper and the like, or to The digital form obtained from this site requires the necessary permission from the owners of the journals and the Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), and violation of it will result in legal action. For more information .go to [Terms and Conditions](#) Using Noor Specialized Magazine Database Please refer



- سنجش معنویت: حکمت باطنی و شبه باطنی
- بررسی تولیدات علمی حوزه موضوعی خلیج فارس در پایگاه اسکوپوس طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶
- فلسفه تشریع قسامه در نظام قضایی اسلام
- معرفی جنبش‌های نوپدید در عرصه دین و معنویت
- سکولاریزاسیون معنویت؛ تهدیدی فرهنگی
- جنبش‌های جدید دینی
- چیستی معنویت و سیر معناپذیری آن در غرب
- والنتینیّه و آموزه مونستی
- جنبش عصر جدید و نقش هنر و رسانه در گسترش آن
- «من» و «خود» از دیدگاه فلاسفه (تا اوایل قرن هفدهم)
- نسبیت گرایی در توصیه‌های سلوکی - اخلاقی صوفیه
- گزارش مترجم: جنبش‌های نوین دینی - محدودیت‌ها و امکانات -

عناوین مشابه

- خصوصی سازی دین و عدالت: نگاهی به استراتژی فرهنگی سرمایه داری
- شبیه سازی انسان از منظر دین
- آماده باش برای دور تازه خصوصی سازی
- خصوصی سازی؛ مقدمه ای برای جذب سرمایه گذاری
- آزادسازی، مقررات زدایی، خصوصی سازی: بایسته های جهانی شدن
- ایران: مروری بر یک تجربه خصوصی سازی در ایران از دیدگاه بانک جهانی
- دینی سازی نهاد سیاست؛ غوری در نسبت دین و سیاست
- بررسی تاثیر عوامل بیمه ای، عوامل سیاسی و شبکه سازی نظام سلامت بر موفقیت در خصوصی سازی با تاکید بر نقش میانجی رهبری استراتژیک و آموزش و توانمندسازی
- خصوصی سازی در ایران با تاکید بر حقوق اقتصادی عمومی
- الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

خصوصی سازی دین^۱

□ جریمی کارت و ریچارد کینگ^۲

مترجم: جواد طاهری^۳

چکیده

خصوصی سازی دین فرآیندی است که بواسطه آن، دین در قلمرو امور شخصی، خصوصی و روان شناختی باز تعریف می گردد و ساختار جدیدی از آن در قالب مفاهیم بشری ارائه می شود. نوشتار حاضر ابتدا نسبت میان روان شناسی و دین را با توجه به معنای تجربه های شخصی به ویژه تجربه ی دینی بررسی می کند و از این رهگذر، در خصوص سازی دین تأمل خواهد کرد. در قسمت دیگر این نوشتار، مفاهیم سیر شده و نیز دگردیسی دین به شکل معنویت به نوعی مرتبط با سرمایه داری غربی تبیین خواهد شد. در پایان، خصوص سازی عرفان به دست ویلیام جیمز به عنوان یک مطالعه موردی بررسی می شود.

کلیدواژگان

تجربه دینی، خصوص سازی دین، روان شناسی دین، سرمایه داری، عرفان، معنویت.

پیوند روان شناسی با دین، در کل، عبارت است از سرگذشت «خصوصی سازی» و پیکربندی دوباره دین در قالب امر خصوصی و

1. Jeremy Carrette and Richard King, *Selling Spirituality: the Silent Takeover of Religion*. The Privatizations of Religion. pp 68.74

۲. جریمی کارت در دانشگاه کنت در کتربوری انگلستان تدریس می کند و قبلاً رئیس گروه مطالعات دینی دانشگاه آستیرلینگ بود. وی نویسنده کتاب *فوکرو دین* (۲۰۰۰) است. ریچارد کینگ، متخصص «دین و فلسفه هند» است و در چندین دانشگاه انگلیسی تدریس کرده است. او نویسنده کتاب *شرق گرایی و دین* (۱۹۹۹) است. وی اکنون در پاریس زندگی می کند و با نویسندگی روزگار می گذراند.

۳. کارشناسی ارشد فلسفه دین. javadtaheri1982@gmail.com

روان‌شناختی. این تغییر در فهم دینی، در برخی موارد، ناآگاهانه و در برخی موارد، آگاهانه، دست‌مایه یک ایدئولوژی نولیبرال از دین قرار گرفت. این تغییر، بُعد اجتماعی دین را از بین برده و نوعی «معنویت‌گرایی» را در باب خویشتن - خویشتن مصرفی- پدید آورده است. تاریخ «روان‌شناسی دین» از دهه ۱۸۹۰ به بعد به گونه‌ای بوده که در آن، «تجربه دینی» به واقع‌های فردی تبدیل گشته و محدودیت‌های خویشتن نیرومندتر شده است. بر اساس تصورات پروتستان در باب خویشتن در نسبت با خداوند - و بنابراین، استمرار فرآیندهای تاریخی دیگر مربوط به «فردی‌سازی»^۱ از زمان نهضت اصلاح دینی - اولین روان‌شناسان دین، اهمیت دین را در تجربه‌های فردی دانستند. تجربه‌های دینی که بیشتر ماهیتی مسیحی دارند، به منزله رخدادهای خصوصی، منحصر به درون انسان شده‌اند. تغییر کیش را هم اکنون می‌توان امری دانست که با تغییر و تحولات صورت گرفته در دوران بلوغ و جوانی مرتبط است، خدا را می‌توان به عنوان فراقکنی تخیلات کودکی به شمار آورد، «عرفان»^۲ را می‌توان به عنوان پی‌آمد «وضع تغییر یافته آگاهی» از نو پایه‌ریزی کرد و اعمال دینی به نمودهای فیزیکی امر درونی تبدیل شوند و نه اشکال نمود اجتماعی.^۳ این روش در تحلیل، بینش‌های بسیاری را برای دنیای درونی «نفسانیت»^۴ انسان پدید آورد، اما تصویری معوج از عالم «دینی» به مثابه کل ساخت. این شیوه نه تنها تجربه‌هایی را به وجود آورد که مقوم تجربه شخصی در مقابل دیگر تجربه‌ها به شمار می‌روند، بلکه به غلط فرض کرد که می‌توان امر فردی را از امر اجتماعی تفکیک کرد. اریک فروم در مطالعات تطبیقی خود در زمینه دین، روان‌شناسی و جامعه نشان داده است که «تاریخ دین، شواهد بسیاری را در تأیید این تعامل میان ساختار اجتماعی و انواع تجربه دینی در اختیار می‌نهد».^۵

1 . individualisation

2. mysticism

3 . forms of expression

4. subjectivity

5. Fromm, Erich, [1970] 1995, 'Problems of Surplus', in *The Essential Fromm*, Constable, P 67.

«روان‌شناختی‌سازی دین»^۱ - یعنی دین را به رخدادهای روان‌شناختی بدل ساختن - فرآیندی ایدئولوژیک است که از طریق آن، یک «اعتدال درونی»^۲ در خویشتن فراتر از یک «اعتدال بیرونی» در مناسبات اجتماعی قرار می‌گیرد. این «اعتدال درونی» دین که در روان‌شناسی یافت می‌شود، اعتدال در نفع شخصی را باز می‌تاباند که بر عالم غرب سایه افکنده است. تاریخ روان‌شناسی غرب را به این معنا نمی‌توان از تاریخ «سرمایه‌داری» غرب جدا کرد. «خصوصی‌سازی دین» از طریق روان‌شناسی، سکوی پروازی بود برای بازارهایی که در جست و جوی نشو و نمای دنیای خصوصی معنویات بودند. فرآیند تاریخی این دگرگونی پیچیده است و بخشی از یک جدایی فزاینده اجتماعی و فردی در آغاز قرن بیستم به شمار می‌رود. به سادگی می‌توان جامعه‌شناسی را جایگاهی برای تفکر جناح چپ و روان‌شناسی را جایگاهی برای تفکر جناح راست دانست. با این همه، این قلمروها از علوم دانشگاهی^۳ ویژگی‌هایی دارند که ساختارهای ایدئولوژیک خاصی را فراتر از محدوده خویش به وجود می‌آورند. برای فهم اینکه چگونه سرمایه‌داری نو لیبرال در اواخر قرن بیستم به «خصوصی‌سازی دین» در روان‌شناسی توجه داشته، لازم است برخی دقایق نظری مهم در این تاریخچه به طور فشرده تبیین گردد.

ویلیام جیمز و خصوصی‌سازی عرفان

بدون شک، ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) از نمایندگان مهم در عرصه روان‌شناسی دین به شمار می‌رود که اثر اصیل او به تنوع تجربه‌های دینی^۴ نام داشت. جیمز در این کتاب، چارچوبی روان‌شناختی برای دین پایه‌گذاری می‌کند. او از محدودیت‌های این شیوه آگاه بود و به روشنی، ماهیت خودسرانه و زودگذر رویکرد خود را ترسیم کرده بود. با این حال، کسانی که

1. The psychologisation of religion.

2. internal economy.

3. Disciplinary.

4. William James, *The Varieties of Religious Experience* (1902).

جیمز که از
 قرائت‌های
 پروتستان در باب
 تجربه دینی و
 میراث سودنبرگی
 پدرش اثر
 پذیرفته بود،
 مؤسس
 دریافت‌های
 روان‌شناختی
 جدید از
 «معنویت» به
 شمار می‌رود. او
 آشکارا تصدیق
 کرد که ابعاد
 اجتماعی دین را
 نادیده گرفته و به
 حالت ذهن و
 احساسات درونی
 تقدم بخشیده
 است.

از او پیروی می‌کردند، تا حد زیادی، تجربه دینی را بر حسب نظریه او شکل
 دادند، اما بدون ملاحظه جنبه‌های احتیاطی. جیمز از الگوسازان درون
 سنت‌های دینی سخن می‌گفت، اما نفهمید که خود به یک الگوساز در فهم تجربه
 دینی در قرن بیستم تبدیل شده است؛ یعنی کسی که زبان فنی عصر جدید را
 شکل داد و سازوکارهایی را برای تفکر دوباره در باب دین در چارچوب
 تجربه خصوصی فردی فراهم کرد. جیمز که از قرائت‌های پروتستان در باب
 تجربه دینی و میراث سودنبرگی^۱ پدرش اثر پذیرفته بود، مؤسس دریافت‌های
 روان‌شناختی جدید از «معنویت» به شمار می‌رود. او آشکارا تصدیق کرد که
 ابعاد اجتماعی دین را نادیده گرفته و به حالت ذهن و احساسات درونی تقدم
 بخشیده است. جیمز را به سبب شیوه استفاده بعدی از فکرش نمی‌توان
 مسئول دانست، اما نسل‌های بعدی که از فواید معنویت بازار آزادی بهره
 می‌بردند، که به فرد اهمیت می‌داد، از رویکرد او اقتباس کردند.

[از نگاه او،] «ما در آغاز با یک حایل بزرگ روبه‌رو می‌شویم که زمینه
 دینی را به بخش‌هایی تقسیم می‌کند. در یک سمت این حائل، «دین
 سازمانی» قرار گرفته است و در سمت دیگر، «دین شخصی»...
 پیشنهاد من آن است که شاخه سازمانی را به طور کامل نادیده بگیریم
 و سخنی از سازمان کلیسایی به میان نیاوریم و الهیت نظام‌مند و
 تصورات در مورد خود خدایان را تا حد امکان ناچیز به حساب آوریم
 و خود را تا حد امکان به دین شخصی محدود کنیم، صاف و ساده...
 بنابراین، دین همان‌گونه که من اکنون از شما می‌خواهم که دل‌خواهانه،
 آن را برگزینید، نزد ما به معنای احساسات، اعمال و تجربه‌های
 اشخاص در اوقات تنهایی‌شان خواهد بود تا جایی که آنها خود را
 موجودی بدانند که با موجود دیگری به نام خدا رابطه دارند».^۲

یکی از دقایق مهم در «خصوصی‌سازی دین» که جیمز آن را به وجود
 آورد، پایه‌گذاری «عرفان» بر حسب احساسات خصوصی و شدید بود.

1. Swedenborgian.

2. James, William, [1902] 2002, *The Varieties of Religious Experience*, Centenary Edition, Routledge pp 28.30.

یکی از
دقایق مهم در
«خصوصی سازی
دین» که جیمز
آن را به وجود
آورد، پایه گذاری
«عرفان» بر
حسب احساسات
خصوصی و شدید
بود.

تاریخچه «عرفان» همان گونه که صاحب نظران بعدی نشان داده اند،^۱ این گونه تعبیرهای روان شناختی را از تجربه بر نمی تابد، اما جیمز با محدود و مضیق ساختن این اصطلاح (که او آشکارا بر آن به عنوان محدودیتی برای تحلیل صحه می گذارد)، ساختار جدید عرفان را به عنوان تجربه ای خصوصی و نیرومند به وجود آورد.

[به نظر او] «دو عبارت «عرفان» و «عرفانی» بیشتر، اصطلاحات یک رویکرد محض هستند که به عقیده ای اطلاق می شوند که مبهم، گسترده و عاطفی در نظر گرفته می شوند بدون اینکه پایه ای در حقایق و منطق داشته باشند. از این رو، من آن را محدود ساختم تا سودمند باشد، مثل همان کاری که در مورد عبارت «دین» انجام دادم و به سادگی چهار نشانه را ارائه می دهم که اگر تجربه ای واجد آن باشد، مجازیم آن را عرفانی بنامیم و در باب آن خطابه ارائه دهیم: توصیف ناپذیری،^۲ کیفیت ادراکی،^۳ ناپایداری^۴ و انفعال.^۵ این چهار ویژگی می توانند گروهی از حالات آگاهی را به وجود آورند که نام خاصی بر آن می توان نهاد و آن را به طور دقیق مطالعه کرد. اجازه دهید نام آن را گروه عرفانی بگذارم».^۶

پس از جیمز و مغنویت گرایان، تمرکز بر حالات آگاهی به تدریج «روان شناسی دین» را فراگرفت و راه را بر یک «مغنویت» آگاهی درونی هموار کرد. البته جیمز این دگرگونی را خود به تنهایی به وجود نیاورد، بلکه این امر ناشی از توسعه ای بود که پیروانش به اثر او دادند؛ کسانی همچون جیمز پرت^۷ و به صورت خاص تر، نسل بعدی صاحب نظران از جمله گوردون آلپورت^۸ و آبراهام مازلو^۹ که فهمی فردگرایانه از دین در فرهنگ امریکای

1. Jantzen, Grace, 1995, *Power, Gender and Christian Mysticism*, Cambridge University Press; King, Richard, 1999a, *Orientalism and Religion: Postcolonial Theory, India and 'the Mystic East'*, Routledge.

2. Ineffability.

3. Noetic quality.

4. Transiency.

5. Passivity.

6. James, 2002: 294–5, our emphasis.

7. James Pratt (1875–1944)

8. Gordon Allport (1897–1967)

9. Abraham Maslow (1908–70)

«خصوصی سازی
دین» تنها یک
پدیده در
امریکای شمالی
نبود، هرچند در
آن فرهنگ،
بیشترین حمایت
از آن به عمل
آمد، بلکه بخشی
از دنیای
روانشناختی
غربی
گسترده‌تری بود

شمالی را تبلیغ می‌کردند. اشتباه است اگر فکر کنیم این متفکران، آگاهانه، یک «روانشناسی دین» را برای سرمایه‌داری گسترش دادند. قضیه از این قرار است که روان‌شناسی آنها در بافت شرایط اقتصادی امریکای شمالی ظهور کرد؛ جایی که کسب ثروت فردی را ممدوح می‌دانست. ایدئولوژی‌های روان‌شناختی در چنین شرایطی نشو و نما یافتند. برای نمونه، روان‌شناسی مازلو نمایانگر دیدگاه دو سوم مردم جهان یا سرزمین پدران‌شان در امریکای شرقی نبود، بلکه روان‌شناسی یک جامعه مرفه بود که می‌توانست مجموعه‌ای از نیازها را مرتفع سازد؛ یعنی جایی که «معنویت» مبتنی بر نیازهای اولیه‌ای مانند غذا، سرپناه و آب برای زنده ماندن نبود. تأثیر زیاد این امر، ظهور «تجربه دینی» مناسب برای افراد ثروتمند بود، نه برای عدالت اجتماعی. «تجربه دینی» یا دست کم، بخشی از آن، نمایانگر شرایط اقتصادی است که در آن ظهور کرده است. روان‌شناسی یکی از سازوکارهای «فردی‌سازی» را تدارک می‌بیند که دین و سرمایه‌داری را در یک جهان نولیبرال به هم پیوند می‌دهد.

«خصوصی‌سازی دین» تنها یک پدیده در امریکای شمالی نبود، هرچند در آن فرهنگ، بیشترین حمایت از آن به عمل آمد، بلکه بخشی از دنیای روان‌شناختی غربی گسترده‌تری بود. زیگموند فروید^۱ و کارل یونگ^۲ نیز «تجربه دینی» را به عالم درون کشاندند، هرچند بی‌شک، با متاع بشرانگاران و فرآیندهای جمعی^۳ هم دست به گریبان بودند. فروید و یونگ به شیوه‌های بسیاری، مشکلات ناشی از یک «روانشناسی دین» جدا شده از دیگر اصول را گوشزد کردند، همان‌گونه که هر دو آن‌ها، متهورانه، با تنش‌های امور اجتماعی و روحی با تصورات «میراث کهن» (فروید) و «ناخودآگاه جمعی» (یونگ) روبه‌رو شدند. با این همه، آنها الگوهایی روان‌شناختی را برای نسل بعدی

1. Sigmund Freud (1856–1939)

2. Carl Jung (1875–1961)

۳. فرآیندهای جمعی یا روندهای جمعی «collective processes» بر خلاف دیگر فرآیندها و ساختارها، اموری غیر سلسله‌مراتبی هستند که در آنها رئیس و مرئوس وجود ندارد و توافق یکایک افراد در تصمیم‌گیری‌ها لازم و ضروری است. در این مورد، افراد به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پردازند و در نهایت، توافق خود را اعلام می‌دارند، ممکن است برخی اعضا رضایت قلبی بر انجام کاری نداشته باشند، اما به دلایل خاصی با یکدیگر توافق می‌کنند. (مترجم).

نک: http://www.wsac.umn.org/collective_process

متفکران فراهم آوردند که همه چیز را به واقعیت خصوصی و روحی و یک بازار فردی شده متعلق به مصرف‌کنندگان «عصر جدید» احاله می‌داد. برای مثال، یونگ به طور مستقیم، دنیای معنوی را با دنیای روحی پیوند داد و: نزد من، معمای مشکل معنوی امروز را باید در جنونی یافت که زندگی روحی، آن را بر زندگی بشر جدید اعمال کرده است. اگر بدبینانه به آن نگاه کنیم، باید آن را یکی از نشانه‌های انحطاط قلمداد کنیم. اگر خوش‌بینانه به آن نظر افکنیم، باید وعده یک تغییر معنوی دوررس در عالم غرب را بدهیم. در هر حالت، آن را باید یک تجلی مهم دانست.^۱

با این همه، آنچه بیشترین تأثیر را در تشکیل معنای جدید و خصوصی شده از «معنویت» داشت، همان توسعه «روان‌شناسی انسان‌گرا» در ایالات متحده آمریکا بود. «روان‌شناسی انسان‌گرا» که گاهی به روان‌شناسی «نیروی سوم» موسوم گشته، به دنبال غلبه بر جنبه‌های منفی «رفتارگرایی»^۲ و «روان‌کاوی»^۳ بود آن هم با اقدامی که بر خوش‌بینی ناشی از «خودبیان‌گری» آمریکای شمالی غلبه کند. همان‌گونه که دان براونینگ پیشنهاد کرده، «نیروی فرهنگی و جذابیت روان‌شناسی انسان‌گرا تا حدی به واسطه پیوستگی‌اش با رشته‌های مهم فردگرایی مختص به تاریخ آمریکا، تبیین شده است».^۴

«روان‌شناسی انسان‌گرا» بعدها به صورت «روان‌شناسی فراشخصی»^۵ یا آنچه به روان‌شناسی «نیروی چهارم» موسوم گشته است، تکامل یافت تا چرخه‌ی تبدیل دین به یک فرآورده مصرفی از خویشتن و شکل‌دهی به نوعی «معنویت» برای بازار را کامل کند. «روان‌شناسی فراشخصی»، بخشی از زبان فنی دین را حفظ کرد، اما جایگاه چنین تجربه‌هایی را در استعداد بشری و حالات آگاهی انسان قرار داد. این روان‌شناسی با تصویرهایی همچون

1. Jung, 1984: 251.

2. Behaviourism.

3. psychoanalysis.

4. Browning, Don, 1987, Religious Thought and Modern Psychologies, Fortress Press, p 64.

5. transpersonal psychology.

«تعالی»^۱، «آگاهی»^۲ و «معنوی»^۳ بازی می‌کند، اما آنها را در قالب پرسش‌های روان‌شناختی مطرح می‌کند، نه پرسش‌های دینی. این امر با جستار دقیق ویلیام جیمز فاصله‌ی زیادی دارد و در فرآیند آهسته‌ی جابه‌جایی اصول سازمانی، اجتماعی و سنتی دین، پیکربندی جدیدی از «معنویت» را به وجود آورده است. «معنویت» اکنون یک رخداد خصوصی و روان‌شناختی است که به طیف وسیعی از تجربه‌های شناور در حد و مرز سنن دینی اشاره دارد. دشواری زیاد در تعریف «معنویت»، همان‌گونه که در فصل اخیر دیدیم، نشانه گردهم‌آیی تجربه‌ها و گرایش‌های مختلفی همچون روان‌شناسی فراشخصی است. نبود «خاص‌بودگی»^۴ این امکان را برای «روان‌شناسی فراشخصی» به وجود می‌آورد تا در بازار مفید باشد و نگرانی آن را برای اخلاق اجتماعی و مکان‌ت فرهنگی کاهش می‌دهد. «روان‌شناسی فراشخصی» می‌خواهد «فرا‌تر از نفس» رود، اما هنوز موجب تقویت حالت آگاهی خصوصی می‌شود و بی‌آنکه نقد شود، ارزش‌های فردگرایی را منعکس می‌کند، نه عرصه اجتماعی وسیع‌تری را.^۵ «روان‌شناسی فراشخصی» به ندرت موجب ایجاد تغییر و تحول تحول اجتماعی می‌شود؛ حتی اگر به اصلاح برخی جنبه‌های نوعی «روان‌شناسی فردگرایانه» نیز گرایش وجود داشته باشد. در «روان‌شناسی فراشخصی»، «معنویت»، فرآورده انشقاق دین و گلچین کردن آن به حساب می‌آید، امری که در ساختارهای «روان‌شناختی فردگرایی»، پنهان است. این «معنویت» مثل جعبه‌ای توخالی است که محتوای آن دور ریخته شده و آنچه باقی مانده، دسته‌ای از توصیفات روان‌شناختی است که هیچ منشأ و مرجعی ندارد. مرجعی وجود ندارد؛ زیرا برای تحقق یافتن تصورات باید نوعی کیهان‌شناسی تبیینی را فراهم آورد که بیانگر معنا و جایگاه فرد در جهان باشد، نه یک نام تجاری بازاری یا دسته‌ای از مفاهیم انتزاعی برگرفته از سنن

1. Transcendence.

2. Awareness.

3. Spiritual.

4. specificity.

5. Lee and Marshall 2003.

نبود
«خاص بودگی»
این امکان را برای
«روان‌شناسی
فراشخصی» به
وجود می‌آورد تا
در بازار مفید
باشد و نگرانی آن
را برای اخلاق
اجتماعی و مکان
فرهنگی کاهش
می‌دهد.

قبلی. «روان‌شناسی فراشخصی» با آنکه نوید می‌دهد تا نوشدارویی برای «فردگرایی روان‌شناختی» باشد، شواهد کمی در جهت‌گیری به سوی جمع از خود نشان می‌دهد. تعالی یک‌پارچه که حامیانش تمایل دارند آن را به همه عرضه کنند، خشونت ساختاری و بی‌کفایتی را چندان به چالش نمی‌کشد و کار زیادی بیش از نشان دادن راه دیگر برای جعل خویشتن در جامعه سرمایه‌داری انجام نمی‌دهد. تعریف اولیه آنتونی سوتیچ^۱ از «روان‌شناسی فراشخصی» نمایانگر این «خصوصی‌سازی معنویت» است:

دغدغه «نیروی چهارم» در حال ظهور (روان‌شناسی فراشخصی) به طور خاص عبارت است از مطالعه علمی و تحقق جانانه نیازهای کلان فرد و نوع بشر، ارزش‌های غایی، آگاهی وحدت‌بخش، تجربه‌های اعلاء^۲، ارزش‌های وجودی^۳، وجد، تجربه عرفانی، خشوع، وجود، خودشکوفایی، هستی، سعادت، شگفتی، معنای غایی، تعالی خویشتن، روح، یگانگی، آگاهی کیهانی، تلاش فردی و تشریک مساعی، مواجهه میان‌فردی حداکثری؛ نفس کیهانی، مزاح و بازیگوشی، آگاهی حسی حداکثری، پاسخ‌گویی و بیان‌گری و مفاهیم، تجربه‌ها و فعالیت‌های مربوط به آنها.^۴

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

1. Anthony Sutich.

2. peak experiences.

3. B values.

4. Sutich, Anthony, 1969, 'Transpersonal Psychology: An Emerging Force', *Journal of humanistic Psychology* 8(1): 77-8.